

چهارمین دوره معرفتی- تربیتی- تشکیلاتی

انقلاب

مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب در

راستای تربیت رهبران دینی

بامحوریت منشور روحانیت



@rebbiion

عصر اقامہ

میقت سالانہ طلاب جوان انقلاب اسلامی

جہاد تبیین و ہدایت فکری مردم

حجت الاسلام و المسلمین راجی

فهرست

4	شبهه ی محوری درباره انقلاب
4	انواع شبهات به ناکار آمدی نظام
4	مواجهه با شبهات به ناکار آمدی اصل نظام
5	مواجهه با شبهات به ناکار آمدی جزئی از نظام
5	در فرض کذب خبر
5	در فرض صحت خبر
5	وظایف در قبال این شبهه
5	توصیف
6	تشخیص
6	تجویز
8	بحث جهاد تبیین
8	قیود جهاد تبیین
9	مفاد جهاد تبیین
9	در رابطه با سایر امور
10	در رابطه با اصول و امهات
11	منطق بحث درباره ی جهاد تبیین و پاسخگویی
12	عدالتخواهی صحیح
13	نکاتی در باب عدالتخواهی
13	با سواد و سنجیدن همه جوانب وارد شوید!
14	سوال: آیا آن چیز که فوریت دارد، اصول و امهات نیست؟
15	سوال: پس سایر امور، بدون اصول و امهات فایده ای ندارد؟
15	مواردی که در پاسخگویی به شبهات باید رعایت نمود
16	اشکال: مواجهه این چینی با شبهات، در شأن ما طلاب نیست

شبهه ی محوری درباره انقلاب

بازگشت تمام گره های مردم در انقلاب اسلامی به یک چیز است و آن هم "شبهات حول محور ناکارآمدی نظام" است. تمام شبهات مردم همین است.

یعنی چه به ساختار ایراد داشته باشند، چه به عملکرد ایراد داشته باشند، چه به اشخاص ایراد داشته باشند، چه به قوه ی قضائیه اشکال داشته باشند، چه به دولت [اشکال داشته باشند، در هر صورت] بحث این است که این نظام کارآمد نیست.

بینید من که این جملات را عرض می کنم، دیگر عینا با این شبهات دست و پنجه نرم می کنم. من از سال 97 تا بحال بیش از 2000 جلسه در کشور شرکت کردم و عموماً هم پرسش و پاسخ است. هر جلسه اگر ده تا سوال هم پرسند، کاملاً در جریان قرار می گیرم که چه اتفاقی می افتد و چه شبهه ای در این زمینه وجود دارد.

انواع شبهات به ناکارآمدی نظام

شبهات ناکارآمدی نظام، یا شبهه به ناکارآمدی اصل نظام است یا شبهه به ناکارآمدی جزئی از نظام است.

مواجهه با شبهات به ناکارآمدی اصل نظام

اگر ناکارآمدی اصل نظام است باید به صورت رگباری دستاورد بگویید. موقعی که شما دستاوردها را بگویید، شبهه کننده می آید در دسته ی دوم و می گوید که اگر دستاورد هست پس این مشکلات چیست؟ در صحبت های آقا این را کامل متوجه می شوید. پیرامون کارآمدی اصل نظام محکم آمده و حمایت می کند. نظام در مقایسه ی با پهلوی و دنیا بسیار کارآمد است.

مواجهه با شبهات به ناکارآمدی جزئی از نظام

در فرض کذب خبر

حالا این نظام کارآمد مشکلات زیاد هم دارد. در اینجا (شبهات وارده به جزئی از نظام) چند مدل اتفاق می افتد: یا راست است یا دروغ است. اگر ناکارآمد نیستیم باید ذهن آن شخص را تصحیح بکنیم. با اخبار درست و از بین بردن اخبار نادرست.

مثلا می گوید هویدا در اواخرش دست کرد در جیبش و یک خودکار درآورد و گفت که 13 سال پیش که من آمدم این دو ریال بود و الآن هم دو ریال است. این خبر دروغ است. فقط جان فوران سال 55 می گوید حداقل گرانی هایی که در کشور اتفاق می افتد 300 درصد است. پشت سرهم گرانی اتفاق می افتد. یا مثلا تصویری که از زمان رضاشاه داری که پدر ایران مدرن بود، پدر ایران نوین بود، اولین راه آهن و دادگستری و قدرت نظامی را آورد، طولانی ترین تونل دنیا را ساخت، اینها همه اش دروغ است.

در فرض صحت خبر

سختی کار جایی است که خبر درست است و ناکارآمدی موردی واقعا وجود دارد. در اینجا باید سه کار انجام دهیم: 1. توصیف 2. تشخیص 3. تجهیز تمام بحث شما بزرگواران در همین قسمت می باشد. مثلا می گوید مردم ناامیدند و ناکارآمدی را می دانند، حالا چکار کنند؟

وظایف در قبال این شبهه

توصیف

توصیف یعنی شما این جریان ناکارآمدی ای که وجود دارد را کاملا شرح و بسطش بدهید. مثلا مگر نمی گوید که یکی از ناکارآمدی های ما کاهش ارزش پول ملی است، آیا ما باید بتوانیم این را توصیف بکنیم یا نه؟ جریان کاهش

ارزش پول ملی چیست؟ از چه دورانی شروع شد؟ چگونه شد؟ چه تفکراتی پشتش بود؟ نتیجه اش چی شد؟

شما می گوی: کاهش ارزش پول ملی در دوره ی قاجار اتفاق می افتد. در دورانی که تولید در کشور داشتیم. کارگاه های مختلفی داشتیم، بریتانیا در سال 1840 به انقلاب صنعتی رسید. این انقلاب صنعتی کشور خودشان و تمام بازار مستعمراتشان را گرفت و رفت که بازار کشورهای دیگر را هم بگیرد. سلاطین قاجار را فریب داد. تعرفه بر واردات که 45 تا 55 درصد بود برداشته شد. کالاهای انگلیسی - با تنوع بالا و قیمت پایین تر آمد در کشور ما. تمام کارگاه ها و کارخانه های ما همگی ورشکست شد. ارزش پول ما در دوران قاجار 50 برابر کاهش پیدا کرد. بعد در زمان رضاخان و بعد محمدرضا چه اتفاقی افتاد و بعد جمهوری اسلامی چه اتفاقی افتاد، و چه اقداماتی انجام داد و تمام. خلاصه توصیف یعنی این که قضیه ارزش پول ملی و کاهش آن چیست.

تشخیص

مورد دوم "تشخیص" بود. حالا باید درد را تشخیص بدهید. چرا ارزش پول ملی پایین آمد؟ بخاطر خام فروشی و ضعف تولید. یعنی تا این دو باشد مشکل کاهش ارزش پول ملی موجود است.

تجویز

حالا به مورد سوم یعنی "تجویز" می رسید که راهکار چیست؟ ببینید راهکار دو تاست: یک راهکاری هست که غرب انجامش داد. این جمله ای که می خواهم عرض کنم را خوب دقت کنید. این ثمره ی سالها پژوهش بنده است: به تجربیات کشورهای موفق اعتنا کنید و توصیه های کشورهای موفق را کنار بیاندازید. این قاعده ی کلی برای شما. شما نگاه نکنید که آنها الان چه

توصیه ای می کنند، ببینید آنها از چه مسیری رفتند و به آن جایی که هستند رسیدند.

غرب نمی گذارد که شما از همان راه او بروید. مثلاً غرب از چه نردبانی رفت بالا و موفق شد؟ تولید. در دروس علوم سیاسی و اقتصاد به شما می گویند حذف تعرفه در واردات. در صورتی که تمام کشورهای موفق در دوران پیشرفتشان تعرفه بر واردات را چند برابر کردند. به هیچ عنوان نگذاشتند که کالای خارجی وارد کشورشان شود. فریب نخورید! واردات خودرو یکی از بزرگترین خیانت هاست.

فریب نخورید فکر کنید که واردات خودرو کیفیت خودروهایمان را بالا می برد؛ اتفاقاً از عمد خودرو را بی کیفیت گذاشتند که بتوانند واردات خودرو را آزاد کنند. فقط یک کشور، حتی یک کارخانه را در دنیا پیدا کنید که در دوران رشدش کشورش تعرفه بر واردات را حذف کرد و کالای مشابه را اجازه داد به داخل کشور بیاید. مثلاً تویوتا چطور پیشرفت کرد؟ تویوتا مگر الآن غول خودروسازی نیست؟! تویوتا وقتی در ژاپن شکل گرفت یک خودرو بنام تویوپت تولید می کرد که جزو بی کیفیت ترین و زشت ترین خودروهای دنیا بود. مردم ژاپن تویوپت را مسخره می کردند و می گفتند چهارچرخه که آپشنش یک زیر سیگاری است! جنرال موتورز و فورد در ژاپن بود. ژاپن هر دو را انداخت بیرون. دقیقاً در دورانی که بی کیفیت ترین خودرو را تولید می کرد. مردم اعتراض کردند و تظاهرات کردند. ژاپن محکم ایستاد و گفت مردم باید از همین کالا استفاده کنند. شروع کرد از این کالا حمایت کرد. تویوپت ورشکست شد و به تویوتا ضرب الاجل های ده پانزده و بیست ساله داد که این کیفیت را بالا ببرد. فلذا آن تجربه و مسیری که پیشرفته های فعلی رفته اند را بگیرید اما توصیه هایشان دروغ است.

آقا در بیانیه ی گام دوم به علم که می رسند می فرمایند که دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ دوپست ساله درست کند و با وجود تھی دستی در زمینه های اخلاقی و تحمیل سبک زندگی غربی بر جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار آنان را بدست بگیرد. پس ما نیاز به علم داریم، چون آنها رفته اند.

یا موقعی که به سیاست خارجه می رسد باز [کلامشان] شنیدن دارد: پیشنهادات آنان همواره با دروغ و خدعه و نیرنگ همراه است. فاصله ی امثال من با آقا را این جا درک می کنید که بدنه انقلابی ما کجاست و آقا کجاست؟! پس این در رابطه با مواجهه ی با سوال و شبهه ی مردم.

جهاد تبیین

دسته بندی جهاد تبیین را از سخنان آقا برایتان عرض می کنم. آقا از قبل رهبریشان تا الآن 40 مورد را فرمودند که باید تبیین بشود. یعنی ما برویم این 40 مورد را تبیین کنیم؟ خیر؛ چرا؟ مثلا آقا در دیدار 30 سال پیش با [مسئولین] حج و زیارت فرمودند باید فلسفه ی حج برای مردم تبیین شود. یعنی الآن فلسفه ی حج را برای مردم تبیین کنیم؟! نخیر.

قیود جهاد تبیین

پس چکار کنیم؟ و چرا این 40 تا را نباید تبیین کنیم؟ بدلیل اینکه آقا این بار دو قید برای تبیین بیان کردند که قبلا نگفته بودند: 1. جهاد 2. فوری

جهاد یعنی ناظر به حرکت دشمن و فوری یعنی دیر می شود، [وقتش] همین الان است. بسیاری از فرمایشات شما که در حوزه ی جهاد تبیین بود و درست هم بود، فوری نبود. چراکه این کار را شما 30 سال پیش هم می توانستید انجام دهید و 10 سال بعد هم انجام دهید. آنجایی که آقا در سخنرانی اش می فرماید

که "به همین دلیل است که جهاد تبیین یک فریضه ی قطعی و یک فریضه ی فوری است" را هیچ کدام از شما بزرگواران اشاره نکردید که جمله ی قبلش چی بود؟ البته بعضی از شما اشاره کردید، اما به جمع بندی نرسیدید.

مفاد جهاد تبیین

به این خواهیم پرداخت که آقا کجا فرمودند فوری است.

آقا فرمودند که دو چیز را باید تبیین کنید در دل مردم:

1. اصول و امّات و مبانی 2. سایر امور

برادر بزرگوارمان که این جمله را گفت، این سایر امور را کاملاً تحقیر کرد که حالا یک چیزهایی بوده. اتفاقاً آقا برای همین سایر امور است که می فرماید "به همین دلیل است که جهاد تبیین یک فریضه ی فوری و قطعی است" نه برای اصول و امّات. نه اینکه ارزش این اصول و امّات پایین باشد. این ها را که انجام می دادید و الآن هم باید انجام دهید.

در رابطه با سایر امور

اما آقا این سایر امور را داشتند تشریح می کردند که 3 چیز است:

- [تبیین وضعیت خاندان بھلوی و وضعیت ایران قبل از انقلاب:] امروز دشمن دارد حکومت سر تا پا فساد بھلوی را بزرگ می کند. مقابله با بزرگ بھلوی، جهاد تبیین است.
- [تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی:] آقا فرمودند: در این امپراطوری رسانه ای هیچ خبری از دستاوردهای جمهوری اسلامی نیست.
- [تبیین ریشه مشکلات:] همچنین فرمودند که مشکلات هست. کاری که دشمن می کند این است که مشکلات را بزرگ نشان می دهد و ریشه ی این مشکلات را هم انقلاب اسلامی می داند. در حالیکه

ریشه ی این مشکلات روی گردانی از انقلاب اسلامی است نه ایستادگی روی آرمان ها.

فلذا به همین دلیل است که جهاد تبیین یک فریضه ی فوری و یک فریضه ی قطعی است. آن چیزی که در ذهن مردم اتفاق می افتد این است که حکومت پهلوی حکومت خادمی بود، جمهوری اسلامی 40 سال است که خورده و خوابیده و هیچ کاری نکرده است و اگر هم مشکلاتی هست از این انقلاب است. جهاد تبیین غیر از اینکه باید اصول و امهاتش بررسی شود، این طرف هم باید این سه مورد گفته شود.

در رابطه با اصول و امهات

ما کدام اصول و امهات را تبیین کنیم؟

فرمودید عدالت؛ بله درست است اما چي عدالت؟ جهاد تبیین یعنی اینکه ما برویم و عدالت را تبیین کنیم؟ الآن دشمن روی شعار عدالت با ما مشکل دارد؟ یعنی دشمن می گوید که شعار عدالت بد است؟ یا نه در رابطه با عملکرد ما می آید بحث می کند؟

این نکته خیلی ظریف است: دشمن یک جاهایی روی شعارهای ما بحث دارد و تحریفشان می کند و می گوید مشکلات شما بواسطه ی شعارهای شماست. و یک زمانی هم می گوید آن شعار خوب است ولی عملکرد شما بد است. مثلاً دشمن می گوید که آزادی بد است؟! کجا گفته که آزادی بد است؟ به جمهوری اسلامی می گویند که آزادی خوب است؛ شما عرضه ندارید که آزادی را محقق کنید. در عدالت هم همین طور. اما برای استقلال این طور نیست و می گوید

تمام مشکلات این 43 سال به واسطه ی همین شعار استقلال شاست، بخاطر شعار نه شرقی نه غربی شاست.

پس بزرگواران دقت کنید! قرار نیست ما وقتی می گویم آرمان ها را تبیین کنید، همه را به یک شکل تبیین کنیم، بلکه باید ناظر به حرکت دشمن باشد.

منطق بحث درباره ی جهاد تبیین و پاسخگویی

نکته ی بعدی [درباره] منطق بحث درباره ی جهاد تبیین و پاسخگویی است. ما در پاسخ به شبهات نیاز داریم که "منطق پاسخگویی" را به دست بیاوریم. یک جمله ای یکی از برادران بزرگوارمان بیان فرمودند، فرمودند که تبیین تدافعی نباشد، تهاجمی باشد. این حرف حرف درستی است اما اجرایی نشود. این جمله را حاج آقای پناهیان همیشه مطرح کرده اند و درست هم گفته اند که نروید گوشه ی رینگ بایستید و صحبت بکنید!

اما سوال من این است که چه کسی- گفته که پاسخ به شبهات حتی اگر تدافعی باشد ایرادی دارد؟ مهم این است که خروجی اش چه می خواهد باشد؟! ببینید در جنگ یک جاهایی اش شما دفاع می کنید و یک جا هم حمله می کنید؛ نه دفاعتان ایراد دارد و نه حمله تان ایراد دارد. مهم این است که هر دوی اینها یک پازلی باشد برای این که شما جنگ را پیروز شوید. آیا جایی که طرف شبهه دارد، شما می توانید شبهه اش را پاسخ ندهید؟! مثلاً طرف می گوید که الان برای چه این قدر اجاره خانه ها زیاد است؟ من با همین پولی که برای رهن این خانه داده ام، 4 سال پیش می توانستم همین خانه را بخرم! شما هوش بگویید صبر کن بگذار در رابطه با مبانی باهم صحبت

کنیم! [اینجا جای] این حرفها نیست، شما باید همان جا جواب بدهید. جواب دادن هم این نیست که حتما دفاع بکنید. نه، اگر ایرادی هست بگویید به این دلیل ایراد هست.

عدالتخواهی صحیح

پس این که ما بگوییم تدافعی نباشد و تهاجمی باشد و پدافندی نباشد و آفندی باشد، این قاعده ی کلی نیست؛ هرچند که کلیتش درست است. یعنی شبهه ی طرف را یکطوری جواب بدهید که طرف به انقلاب اسلامی امیدوار شود. یعنی مثلا شما گفتید باید عدالتخواهی بکنید. حتما باید عدالتخواهی بکنید. شما عموما یا مشهدی نیستید یا سنّان کم است، مشهدی ها من را به موسس مجمع مطالبه و جنبش عدالتخواه می شناسند. من شاگرد خاص حاج حیدر رحیم پور بوده ام و به عدالتخواهی معروفم، عدالتخواهان رفقای من هستند. شما که می گوید عدالت عدالت فکر نکنم یک شب زندان خوابیده باشید، اما من خوابیده ام، دستگیر شده ام و زندان رفته ام. حالا این خیلی جالبه که عدالتخواه های تازه به دوران رسیده به ما می گویند ماله کش. شما کجا بودید وقتی آقا سال 83 را سال پاسخگویی مسئولین اعلام کرد، ما چه کار کردیم؟ بروید پیش بچه های قدیم جنبش عدالتخواه و مجمع مطالبه، که برایتان بگویند. ما اصلا بحثان عدالتخواهی است. حتما بحث ما این است. اما ثمره ی این عدالتخواهی باید به امید منجر شود. نقطه ی اختلاف الآن ما با برخی از عدالتخواهان این است. که این مدلی که مثلا راجی عدالتخواه دارد، ثمره اش امید نیست و مخرج مشترک با دشمن پیدا می کند. مساله این است که شما چطور عمل کنید که بتوانید مطالبه بکنید، از آن طرف دستاورد بگویید، ریشه ی مشکلات را بگویید، هملوی را

**بگویند و غرب را هم به جن بکشانید. این کارها را بکنید و بگویند حالا
مسئول بیا جواب بده.**

نکات در باب عدالتخواهی

با سواد و سنجیدن همه جوانب وارد شوید!

یک نکته ی مهم: چه می خواهید عدالتخواهی انجام دهید، چه می خواهید انجام ندهید، توجیه کنید و ماله بکشید، در هر صورت یک چیز را دقت کنید. با سواد وارد شوید؛ یعنی همه ی جوانب را بررسی کنید و بعد ورود پیدا کنید. بینید بزرگواران! یکی از رفقای ما در همین جلسه فرمود "باید عدالتخواهی کنید، 3000 میلیارد اختلاس شد و معلوم نشد که چه شده است؟" باید بزنم در سرم دیگر، که جمهوری اسلامی مه آفرید امیرخسروی که 3000 میلیارد اختلاس کرد را گرفت، 3000 میلیارد که اختلاس کرد را ازش گرفت، 1200 میلیارد هم اضافه گرفت و مه آفرید خسروی را سوم خرداد اعدامش کرد. خاوری که اختلاس نکرده بود. چه کسی - گفته او اختلاس کرده است؟! در پرونده ی 3000 میلیاردی معلوم شد که رئیس بانک ملی 3 میلیون دلار رشوه گرفته است و او فرار کرده بود و رفته بود. ایران 4 بار درخواست داده به پلیس اینترپل و کانادا او را نداده است. بزرگواران! تمام حرف من این است که جمهوری اسلامی اگر بزرگترین خدمات عالم بشریت را هم انجام دهد، تا جهاد تبیین نباشد، به گوش هیچ کس نمی رسد.

چرا آقا در دوران روحانی جهاد تبیین را نگفتند؟ چرا آن موقع می گفتند عدالتخواهی و الآن می گویند جهاد تبیین؟! باید ما بفهمیم که آقا در چه جهادی هستند. این دولت در بعضی - از امور بزرگترین خدماتی که تصور کنید را انجام داده است. من صعود چهل ساله نوشته ام و می دانم که نظام چه دستاوردهایی

دارد و تسلط دارم. برخی از اقداماتی که این دولت انجام داده است، از 43 سال اقدامات جمهوری اسلامی بالاتر بوده است.

بخشید می شود کل این جمع یکی از خدمات آقای رئیسی- را بگوید؟! یکیش مثلا همین ارز 4200 است که یکی از بزرگترین خدماتی است که این دولت انجام داده است. بزرگواران! ما نه حال دفاع از این دولت را داریم، نه جرئت دفاع از این دولت را داریم. چون می دانیم که فحش می خوریم و از آن می ترسیم که این دولت خراب کند و آبروی ما برود! کل حرف این است. مثلا در خودروسازی؛ اگر من به شما بگویم که دولت برای خودروسازی چه کرده است، اصلا باورتان نمی شود که در این فضای مافیای عجیب و غریب، دولت چه قوانینی را تصویب کرده است! نه این که انتقاد نداریم؛ من خودم 7 بار با وزیر اقتصاد راجع به ارز 4200 صحبت کردیم، به شدت هم مخالف یک جریانی بودم، با معاون وزیر صنعت 3 بار صحبت کردیم اما عرض بنده این است که ما به جهاد تبیین نیاز داریم. بخش عمده ای از این جهاد تبیین این است که عملکرد این دولت و این مسئولین را بگویم. در کنارش هم هرچه انتقاد دارید بگویید. اما همه ی جوانب را ببینید. بدنه ی انقلاب چطور می تواند از یک جریانی انتقاد بکند در صورتی که همه ی جوانبش را بررسی نکرده است!؟

سوال: آیا آن چیز که فوریت دارد، اصول و امهات نیست؟

استاد: عرض من این است که اگر الآن مردم آن سایر امور را ندانند و این شبهات اتفاق بیفتد، اصلا سال بعد پای این نظام نیستند که بخواهند اصول و امهات بدانند! مردم الآن به شدت ناامیدند. به شدت شبهه دارند و الآن فوری باید این شبهات حل شود.

و من با شما موافقم که این دو با هم ترکیب شوند و خودم همیشه در جلساتم همین گونه پاسخ می دهم.

اگر ما از اول مبانی را کامل می گفتیم حل بود، حالا در کانال من در رابطه با منطق پاسخگویی که نگاه کنید دست تان می آید که منظور من چیست؟ مثلاً روز قدس مجری ازم پرسید که ما چرا پولهای مان را می دهیم به فلسطین، سوریه، لبنان و...؟ من 9 دقیقه صحبت کردم. آن جا شما این منطقی که می گویم را می فهمید که شما چطوری بگویید که آن مخالف شما هم بگوید درست است. که در کجا امهات را بگویید و کجا برسید به یک مصداق؟ ما باید در پاسخ به شبهه، همه ی این ها دستمان باشد که در آن لحظه چه بگوییم.

سوال: پس سایر امور بدون اصول و امهات فایده ای ندارد؟

استاد: اینکه طرف اصول و امهات نداند که نمی تواند پاسخ بدهد! اما گاهی وقتها لازم نیست و مصداق است. گاهی اوقات فرصت جواب کوتاه است و باید در دم پاسخ طرف را بدهید.

مواردی که در پاسخگویی به شبهات باید رعایت نمود

بینید در پاسخگویی چند چیز را باید با هم دید: یک دستاورد گفتن باعث می شود که شما ایرادها را نبینی، و وقتی ایرادها را نبینی، مخاطبت دارد آن ایرادها را می بیند. خوب این که مطلوب نیست. و قسمت دوم که ایرادات را ببینی و خوبی ها را نبینی، این می شود همان چیزی که دشمن می بیند، پس شما نیاز داری که یک "منطق پاسخگویی" داشته باشی و این منطقی است که آقا دارد. انتقاد بکن اما خروجی این انتقادات به امیدواری ختم شود. آقا در بیانیه ی گام دوم 14 مورد را برای پاسخگویی استفاده می کنند. یعنی هر قسمتی را آقا ورود می کند، به مدل های مختلف ورود می کند.

اشکال: مواجهه این چینی با شبهات، در شأن ما طلاب نیست

استاد: شأن ما امامت جامعه است یعنی ثمره ی گفتگوهای مان باید به این ختم شود که در جامعه امید پراکنی شود. کاری که آقا انجام می دهد. پس اگر آقا دستاورد گفت، پس دستاورد هم خوب است. اگر افول دشمن گفت، پس افول هم خوب است. به همان اندازه ای که ایشان می گوید. من نمی گویم که شخص در تمام سخنرانی اش مثلا فقط دستاورد بگوید و من خودم در کل دهه ای که منبر می روم، دو تا دستاورد هم نمی گویم. عرض این است که آدم باید سوادش را داشته باشد، و در مواجهه با هر جریانی، ورود صحیح پیدا کند.

عرض من این است که اطلاعات ما باید گسترده باشد. اینی که من می گویم روزی 17 ساعت [کار علمی می کنم]، شوخی نکردم. پایین ترش را بگویم: اگر روزی 7 ساعت مطالعه ی عمیق درباره ی انقلاب اسلامی انجام ندهید نمی توانید از انقلاب دفاع کنید. ابعاد قضیه را بررسی کنید.